



این صعود با داراها چه کرد؟

حرکت بی رفق صندوق های سرمایه گذاری قابل معامله یا همان ETF ها همسو با صعود و نزول بازار سرمایه ادامه دارد و صعودهای هفته قبل این بازار نیز تاثیر چندانی روی سرنوشت دارابکم و پالایشی یکم نگذاشت. به گزارش ایسنا، شاخص های بازار سرمایه از حرکت نوسانی دست نکشیده اند و یکپارچه قرمز و سبز شدن در بازار همچنان وجود دارد. موضوعی که یک نگاه اجمالی به وضعیت بازار طی سه هفته قبل به خوبی آن را تایید میکند. چراکه شاخص کل بورس در این مدت کف ۶ ماهه خود را شکست و به کمتر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار واحد نیز رسید اما دوباره صعودی شد و کانال یک میلیون و ۳۰۰ هزار واحد را برای دفعه چندم پس گرفت. نوسان هایی که روی قیمت سهام و سرمایه مردم تاثیرگذار است و دو صندوق پالایشی یکم و دارابکم که قرار بود عدالت را گسترش دهند نیز از این قاعده مستثنی نیستند. صندوق هایی که در روز عرضه هر واحد آن ها ۱۰ هزار تومان قیمت داشت و میتوان گفت پالایشی یکم حتی بالاتر از ۱۰ هزار تومان را به خود ندید!

ماجرای این صندوق ها چه بود؟

سال گذشته و درحالی که شاخص کل بورس برای گذر از مرز دو میلیون واحد کمین کرده بود، وعده عرضه سه صندوق دولتی در قالب ETF از سوی دولتمدردان داده و قرار شد صندوق نخست بانکی و بیمه ای، صندوق دوم پالایشی و صندوق سوم خودرویی و فلزی باشد. دولت بنا داشت باقیمانده سهم خود در برخی بانک ها، بیمه ها، پالایشگاه ها، شرکت های خودرویی و فولادی را در بازار عرضه و از این طریق سهام خود را به مردم واگذار کند. این صندوق ها با ۲۰ تا ۳۰ درصد تخفیف به مردم واگذار شد و هر ایرانی دارای ک ملی می‌توانست خریدار آن ها باشد.

از عرش تا فرش دارابکم!

بر این اساس، صندوق اول با نام دارا یکم در اوایل تابستان سال گذشته عرضه و د سوم تیرماه قابل معامله شد. در واقع وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق این واگذاری، به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران، باقیمانده سهام خود در بانک‌های ملت، تجارت و صادرات ایران و بیمه‌های البرز و اتکایی امین را واگذار کرد. در پذیره نویسی صندوق دارابکم بیش از چهار میلیون نفر مشارکت کردند. صندوقی که هم راستا با روزه‌های صعودی بازار سرمایه، بازدهی چشمگیری داشت و تا ۲۰۰ درصد سود هم پیش رفت. سوددهی دارابکم به گونه ای بود که حتی با وجود سقوط چشمگیر شاخص کل بورس از دو میلیون واحد به کمتر از یک میلیون واحد، این صندوق همچنان در سود قرار داشت. اما عمر این سود طولانی نبود و حتی حدود سه هفته قبل که شاخص کل به کمتر از یک میلیون و ۲۵۰ هزار واحد رسید، این صندوق قیمت کمتر از ۱۰ هزار تومان را نیز به خود دید. البته صعود بورس در هفته قبل این صندوق را هم بالا کشید و قیمت را به ۱۱ هزار و ۶۰۰ تومان رساند.

پالایشی یکم همچنان در ضرها!

مسیر سوددهی پالایشی یکم از همان ابتدا کاملا از دارابکم جدا شد. پالایشی یکم باقی مانده سهام دولت در چهار پالایشگاه تهران، تبریز، اصفهان و بندرعباس بود که عرضه آن با اختلاف بین وزارت نفت و وزارت اقتصاد کلید خورد و بهانه ای برای ریزش بازار شد! این صندوق عرضه شد اما عرضه آن همزمان با ریزش بازار بود. هر واحد این صندوق نیز در روز عرضه ۱۰ هزار تومان قیمت داشت اما در روزهای ریزشی بازار به ۵۰۰۰ تومان، یعنی نصف قیمت روز عرضه نیز رسید. قیمت این صندوق نسبت به دارابکم کمتر دستخوش تغییر شد و در حدود ۷۰۰۰ تومان باقی ماند. البته ناگفته نماند که درمورد این دو صندوق هم در دولت قبل و هم در دولت فعلی وعده های زیادی داده شد، از هبه سهم جدید به سهامداران در دولت قبل تا انتخاب بازارگردان برای آن ها در دولت فعلی، اما هنوز هیچکدام از وعده ها به مرحله عمل نرسیده اند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۴۴۹۹۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرگناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد حیاتی فرزند نوشاد به شماره شناسنامه ۸۳ ک ملی ۳۵۳۹۱۲۲۸۸۰ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ یکپایخانه به مساحت ۱۹۱/۲۷ متر مربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امامزاده گناوه خریداری مع الواسطه از آقای حیدر خسروانی و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی خود را در نهایتا میلیون‌ها نفر تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صورسند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قضایی نمی‌باشد. شماره: ۵۹۳ الف تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

محمد قانبدل، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان کناوه

ایثاری ماند گار در استان بوشهر

اعضای بدن جوان ۱۴ ساله اهدا شد

امام حسین «ع» نیست.

پدر مرحوم علی واعظی گفت: امیدوارم اعضای پاک علی ام، برای هر فرد بیمار دریافت کنندهای مبارکش باشد لحظه به لحظه خدا را شاکرم و واقعاً آن کاری که انجام داده‌ام خوشحالم و خدا را به حق علی اکبر امام حسین قسم می‌دهم که همه بیماران هر چه زودتر از تخت بیمارستانها ترخیص شوند.

مادر علی: فقط یک صلوات دادم

سیمما صفری مادر علی واعظی اینگونه از تصمیمی که برای اهدای اعضای فرزندنش گرفته بود برای ما می‌گوید: همسرم دیگر اعضای خانواده ام در بیمارستان بعد از تأیید مرگ مغزی فرزندم توسط پزشکان، این تصمیم را گرفتند و از موضوع اهدا برابیم سخن گفتند و من هم در جواب آنها گفتم هر چه صلاح اوست انجام شود برگه اهدای عضو را امضا کردم و تنها یک صلوات فرستادم و به خدای خود توکل کردم امیدوارم علی من خوشحال باشد و تا ابد آسوده در جای خود بخوابد. این مادر داغدار ادامه می‌دهد: اصلاً نمی‌خواهم گریه کنم چون اجر تمام کارهایم از بین می‌رود فقط دعا می‌کنم برای بیمارانی که اعضای بدن علی مرا در بدن آنها قرار گرفته امیدوارم اعضای بدن جوان ۱۴ ساله‌ام مبارک این ۴ نفر باشد. پدر و مادر مرحوم علی واعظی در سخنان پایانی خود از خانواده‌ها خواستند در صورت قطع امید پزشکان از بیمارشان حتماً به اهدا عضو اقدام کنند زیرا با این امر به چندین نفر دیگر زندگی دوباره می‌بخشند.

بزرگ خود می‌گوید: علی مرا خدا برد و به این موضوع افتخار می‌کنم و تصمیمم بر این بود که اعضای بدن او را اهدا کنم تا خانواده‌های دیگر نجات پیدا کنند و این کار را برای رضای خدا کردم تا ابد هم آرامش دارم و فرزندم نیز راحت و آسوده است.محمد واعظی با بیان اینکه با اعضای بدن فرزندم ۴ نفر که به گفته پزشکان دو نفر آنها اهل کرج، یک نفر اهل مشهد و دیگری اهل استان فارس بودند زندگی دوباره پیدا کردند و از همه می‌خواهم برای دل داغدار مادرش و روح فرزندم دعا کنند. **«علی» امانت بود**

وی با بیان اینکه هیچکدام از بیمارانی که اعضای بدن فرزندمان را برای پیوند دریافت کردند ندیدم و نمی‌شناسم فقط برای رضای این کار را انجام دادیم اظهار داشت: خودم را جای پدر و مادر کسانی گذاشتم که دیگر جانی برای عزیزان‌شان نمانده و منتظر پیوند عضو هستند گفتم به جای اینکه بدن فرزندم را به خاک بسپارم آن را به بیماران نیازمند اهدا می‌کنم در آن لحظات سخت و جان کاه، به خدا گفتم راضی‌ام به رضای تو و هرچه تقدیرم باشد می‌پذیرم چون بر این باورم که علی من تا همیشه زنده است.

محمد واعظی پدر مرحوم علی واعظی در حالی که بغض

گلویش را گرفته بود به آرامی اینگونه ادامه داد: علی مهربانم

دست من و مادرش امانت بود من فرزندم را به خدا سپردم

من وظیفه داشتم او را بزرگ کنم، فرزند من بالاتر از علی‌اکبر،

رئیس مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از ۹۰ اهدای عضو در این استان خبر داد و گفت: در سال جاری با هماهنگی تیم پیوند استان بوشهر ۴ مورد از برداشت عضو با رضایت خانواده‌های نوع‌دوست در شیراز انجام شده است.

نجات جان ۴ هموطن

مدیر آموزش و پرورش شهرستان دیر در گفتگو با خبرنگار مهر ضمن تسلیت به خانواده داغدار واعظی گفت: علی واعظی شده بود با رضایت خانواده مهربان او اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شد.احمد عبدالله زاده اظهار داشت: متأسفانه پس از تلاش ناکام پزشکان متخصص در استان فارس این دانش آموز دار فانی را وداع گفت و دردی جانکه بر دل‌ها نشاند.مدیر آموزش و پرورش شهرستان دیر ضمن ابراز همدردی با خانواده این دانش آموز، از کار خیرخواهانه و فداکارانه آنان تقدیر کرد و گفت: پیوند اعضا تنها راه ادامه حیات برای بیماران مبتلا به نارسایی‌های پیشرفته است که ایثار و فداکاری این خانواده نوع‌دوست دیری با اهدا اعضای بدن فرزند دلبنده‌شان باعث نجات جان ۴ هم وطن خود شدند.

این اهدای عضو افتخار ما است

محمد واعظی پدری که داغدار فرزند ۱۴ ساله خود است در گفتگو با خبرنگار مهر در شهرستان دیر اینگونه از ایثار خانواده

بیماران متعددی در سطح کشور هستند که مرگ و زندگی آنها به دقایقی بسته است و اگر عضو پیوندی برای آنها نرسد، ممکن است ساعتی دیگر در بین ما نباشند.در این بین خانواده‌هایی هم هستند که پس از اعلام مرگ مغزی فرزندانشان حاضر می‌شوند اعضای بدن او را اهدا کنند تا زندگی دوباره‌ای را به هم‌نوعان او ببخشند.ایثار ماندگار خانواده دیری باعث شد تا اعضای بدن علی واعظی جوان ۱۴ ساله دیری جانی دوباره به بیماران نیازمند اهدای عضو ببخشد.

ایثاری ماندگار

رئیس مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از ایثار ماندگار خانواده دیری برای اهدا اعضای جوان ۱۴ ساله خود خبر داد. علیرضا باقری اظهار کرد: علی واعظی فرزند محمد که به علت تصادف دچار ضربه به سر شده بود علی رغم تلاش پزشکان متخصص در شیراز متأسفانه به علت شدت ضربه به سر دچار مرگ مغزی شد و به دنبال تأیید مرگ مغزی این عزیز، با رضایت و ایثار خانواده مهربان و نوع‌دوست آن عمل اهدای عضو در بیمارستان ابوعلی سینا شیراز برای نجات جان ۴ هم‌وطن انجام شد.وی بابیان اینکه با اقدام ایثارگرانه این خانواده، چند هم‌وطن از مرگ حتمی نجات یافتند تصریح کرد: کبد، هر دو کلیه و روده این جوان ۱۴ ساله دیری ساله برای پیوند به نیازمندان به دریافت عضو در بیمارستان ابوعلی سینا شیراز برداشت و به ۴ بیمار نیازمند به عضو اهدا شد.

یک استاد اقتصاد

دستمزد توافقی یعنی پذیرش بی‌قید و شرط سازکار بازار



روند ارزان سازی نیروی کار چیست؟

اقتصاد ایران ساختار بیماری دارد. اینکه کسی با داشتن یک آپارتمان بعد از دوسال سود میلیاردری می‌برد نشانی از این اقتصاد بیمار است. هیچ کس با هیچ تخصص متنازی بعد از دو سال میلیاردار تومان درآمد به دست نمی‌آورد. این اقتصاد بیمار سبب می‌شود افراد از کارهای تولیدی فاصله بگیرند و به سمت کارهایی بروند که درآمد بادآورده دارد، مثل همین خرید و فروش زمین و مسکن و طلا و ارز و موبایل و سهام.

البته همین کارها هم در این اقتصاد پُر فرازونشیب ریسک‌هایی دارد. واقعیت این است که وقتی در بلند مدت به روند قیمت‌ها نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم یک نفر با خرید ارز و طلا و زمین و مسکن سود هنگفتی نصیبش شده، در صورتی که قدرت خرید مزد بگیران روز به روز کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل خیلی‌ها سعی می‌کنند بروند به سمت معاملات این چنینی و از کارهایی که حقوق محدودی دارد، اجتناب کنند.

از طرفی نیروی متخصص می‌تواند در کشورهای دیگر هم دنبال کار باشد. در شرایطی که چشم‌انداز آینده در ایران مبهم است نیروهای متخصص ترجیح می‌دهند کشور را ترک کنند. البته این صرفا به مزد برنمی‌گردد برخی مهاجرت می‌کنند چون نگران آینده خود و فرزندانشان هستند.

عده‌ای به دنبال پیاده کردن مزد منطقه‌ای و دستمزد توافقی هستند، نقد شما به چنین سیاست‌هایی چیست؟ من صد درصد با دستمزد توافقی مخالفم. دستمزد توافقی یعنی پذیرش بی‌قید و شرط سازو کار بازار، یعنی پذیرش

هم گران می‌شود چرا به آن‌ها اعتراض نمی‌کنند؟ منطقی وجود ندارد که ما بار این وضعیت بد اقتصادی را به دوش کارگران بیندازیم، آن‌ها در شکل‌گیری این وضعیت نقشی نداشته‌اند بلکه سیاست‌های کلی کشور کار را به اینجا رسانده است. اما چون عرض‌هی نیروی کار بیش از تقاضا است و از طرفی کارگران از تشکل قوی نیز بهره‌مند نیستند در نتیجه قدرت چانه‌زنی ندارند و نمی‌توانند از منافع خود دفاع کنند. از طرفی دولت خود یک کارفرمای بزرگ است که با افزایش حداقل مزد، حقوق کارکنان او هم افزایش پیدا می‌کند در نتیجه در مذاکرات مزدی بیشتر در طرف کارفرماست و خیلی تمایلی به افزایش حداقل حقوق ندارد.

اکثر مزدبگیران زیر خط فقر هستند و قدرت خرید بسیار کمی دارند، تداوم این وضعیت از آن جهت که کارگران توان خرید تولیدات داخلی را ندارند، چقدر می‌تواند به ضرر تولید باشد؟

اقتصاد ما سالهاست گرفتار رکود تورمی شده است. ظرفیتهای تولید و میزان تولید پایین است. بنگاه‌ها نمی‌توانند حتی زمانی که قیمت‌ها بالا می‌رود، افزایش ظرفیت تولید داشته باشند و با تنگناهای زیادی به دلیل تحریم و محدودیت واردات و کمبود ارز مواجه هستند. در نتیجه نمی‌توان با قاطعیت گفت که با افزایش تقاضا اقتصاد ما از رکود خارج می‌شود.

مشکلات، بیشتر در طرف عرضه است بنابراین هر چه تقاضا بالا برود تولید نمی‌تواند افزایش پیدا کند. به طور مثال در مورد تولید گوشت و مرغ درست است که تقاضا کاهش پیدا کرده اما بخشی از این موضوع به کمبود خوراک دام و طیور و مشکلات ارز برمی‌گردد که همه‌ی اینها مثل زنجیره‌ای از تنگناها، تولید را محدود کرده است از طرفی قیمت‌ها بالا می‌رود و مردم نمی‌توانند خرید کنند. اما در مورد برخی از تولیدات مثل پوشاک، قدرت خرید مردم در تولید نقش دارد؛ یعنی وقتی قدرت خرید مردم فوق‌العاده پایین می‌آید نمی‌توانند بسیاری از نیازهای خود را تأمین کنند و این به رکود تورمی دامن می‌زند. همانطور که گفتم کاهش قدرت خرید مردم هم آثار اقتصادی و هم اجتماعی دارد.

برخی از فعالان کارگری معتقدند ارزان‌سازی نیروی کار سبب شده نیروی متخصص تمایلی به کار تولیدی نداشته باشد و به مهاجرت و یا کارهای لالای روی بیاورد، تبعات ادامه‌ی

به روزه‌های پایانی سال نزدیک می‌شویم و این روزه‌ها خبرهایی که از جلسات شورایعالی کار در رابطه با تعیین حداقل دستمزد بیرون می‌آید برای کارگران اهمیت زیادی دارد. آن‌ها منتظرند ببینند تا نتیجه‌ی مذاکرات سه جانبه چه می‌شود و آن‌ها بر سر چه رقمی برای حداقل دستمزد به توافق می‌رسند.

به همین مناسبت گفتگویی در خصوص حداقل دستمزد کارگران با زهرا کریمی (عضو هیأت علمی دانشگاه انجام دادیم که مشروح این گفتگو در ادامه می‌آید:

با توجه به اینکه بخش زیادی از کارگران زیر خط فقر هستند و حداقل دستمزد فاصله‌ی بسیاری با نرخ سبد معیشت و تورم دارد، سرکوب مزدی و عدم تعیین حداقل دستمزدی معقول چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟

حداقل دستمزد سالهاست با هزینه‌های زندگی یک خانوار متوسط کارگری فاصله پیدا کرده و در این سه چهار سال اخیر با توجه به نرخ تورم بالای بعد از تحریم‌ها این فاصله بیشتر هم شده است. فاصله‌ی زیاد بین حداقل دستمزد و نرخ تورم و سبد معیشت سبب شده شمار زیادی از خانوارهای کارگری زیر خط فقر قرار بگیرند. یعنی اشتغال نتوانسته آن‌ها را از خط فقر نجات دهد.

اگر مزد کافی نباشد سفره‌ی تعداد بسیاری از خانواده‌های ایرانی کوچکتر می‌شود. این موضوع علاوه بر تنگناهای اقتصادی از نظر اجتماعی نیز مشکلاتی به وجود می‌آورد.

با افزایش ناراضیاتی بخش بزرگی از جمعیت کشور، سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم آسیب می‌بیند. این هم محدود به کارگران نمی‌شود بلکه به صورت گسترده در بین جوانانی که زندگی آن‌ها تحت فشار قرار گرفته نیز سرایت می‌کند. ناراضیاتی که از تحت فشار قرار گرفتن تعداد زیادی از جمعیت به وجود می‌آید می‌تواند مخرب باشد. یکی از استدلال‌های همیشگی گروه کارفرمایی این است که افزایش دستمزد باعث افزایش نقدینگی و افزایش نرخ تورم می‌شود. با توجه به اینکه در حال حاضر دستمزد کارگران حتی کفاف هزینه‌های اساسی زندگی را هم نمی‌دهد، نقد شما به این استدلال چیست؟

اینکه کارفرمایان استدلال کنند افزایش مزد به افزایش تورم منجر می‌شود عجیب است. آن‌ها از هزینه‌های تولید تنها به دستمزد کارگران اعتراض می‌کنند و توان اعتراض به سایر هزینه‌ها را ندارند. در صورتیکه سیمان و آجر و میلگرد و...